



تحلیل هفته

تحول و تمرکز در مبارزه کارگری



فرهاد فدایی

از ارایه حقوق به کارگران خود عاجز مانده اند. در اصل وقتی یک بنگاه اقتصادی نتواند دستمزد کارگران خود را پرداخت کند، به این معنی است که آن قدر ناتوان گشته که حتی توانایی تعهدات مالی خود را نیز از قبیل، بالانس هزینه های خرید مواد اولیه، پرداخت چک و ... را هم ندارد.

آیت الله های وابسته به حکومت، به پشتوانه ۳۵۰۰ ایستگاه غیر قانونی در زمینه قاچاق کالا، و به پشتوانه واردات بی رویه، ثبات اقتصادی از درون تهی گشته و امروز با رسیدن به مرز ورشکستگی، بیش از گذشته در بحران غوطه ور است. طبق آمار ارایه شده از سوی مدیران بخش صنعت، ۶۰ درصد صنایع تعطیل و از ۴۰ درصد باقی مانده نیز ۲۰ درصد در بحران شدید مالی قرار دارند، آن چنان که حتی

روزی نیست که اخبار مربوط به اعتراض های کارگری از رسانه های داخل و خارج ایران شنیده نشود، اقتصاد بیمار ایران، هرلحظه در باتلاق فساد، نبود مدیریت، و تکیه بر برنامه های ورشکسته صندوق بین المللی پول که توسط دولت های مختلف در ایران به طور پیوسته، طی ۴ دهه گذشته، اجرا شده در ورطه غرق شدن قرار گرفته است. از سویی دیگر، حضور قدرتمند باند های مافیایی نیرو های امنیتی و



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

شکی نیست که دستمزد ارتباط مستقیم با نان و معیشت کارگران دارد، از این رو، این تحرک خاص، در صورت اطلاع رسانی مناسب و تبلیغ گسترده در بین کارگران، می تواند فصل نوینی از مبارزه صنفی را به عرصه عمل برساند.

با توجه به این که اولاً، هر هفته مطالبه اعتراضی انجام می شود، و مشکل پرداخت حقوق از سوی کارفرمایان، همواره وجود دارد، زمینه استقبال از سوی کارگران برای مشارکت در چنین برنامه ای زیاد است، خصوصاً با هیچانی که بعد از انتخابات بوجود آمده، چنین تاکتیکی می تواند کاربرد موثری داشته و با برگزاری مستمر تجمع ها ی واحد، با استقبال هر چه بیشتری از سوی کارگران روبه رو شود، و در پی اعلام مطالبات مشترک، مابین کارگران واحد های کوچک، متوسط یا بزرگ در نهایت مبارزه آن ها به همبستگی برسد، و دولت را در فشار بیشتری برای پاسخ گویی به مطالبات کارگران قرار دهند.

نکته دیگر این که در صورتی که چنین اتحادی در بین کارگران در یک شهر بوجود آید، نیرو های امنیتی نمی توانند به راحتی به سرکوب آن اقدام کنند، چرا که این تجمع ها از قبل تعریف شده و بعد از مدتی به صورت یک رسم باقی خواهد ماند و پایه ای برای مبارزه مشترک کارگری خواهد شد.

در صورت موفقیت در این کار می توان روز دیگری از هفته را برای موضوع هایی از قبیل تجمع هفتگی کارگران بی کار، در برابر فرمانداری یا تجمع بازنشستگان ... تعریف و به اجرا گذاشت.

نکته مهم در این است که این تجمع صنفی صرفاً برای یک بخش کوچک از کارگران یا یک واحد تولیدی نیست، بلکه از واحدهای زیر پنج کارگر تا کارخانه هایی که چندین هزار کارگر دارند، تشکیل و

**خبرهای مربوط به
دستمزد، حکایت از
اعتصاب های مقطعی
یا صرفاً محدود در
جغرافیای زندگی
کارگران دارد، این نیروی
بزرگ اعتراضی، متفرق
و غیر مستمر عمل
می کند، یا به عبارتی
سازماندهی مناسب در
این ارتباط آن چنان که
باید و شاید، وجود ندارد**

کل خبرهای مربوط به دستمزد حکایت از اعتصاب های مقطعی یا صرفاً محدود در جغرافیای زندگی کارگران دارد، از این رو نیروی بزرگ اعتراضی متفرق و غیر مستمر عمل می کند، یا به عبارتی سازماندهی مناسب در این ارتباط آن چنان که باید و شاید، وجود ندارد. نیاز امروز جنبش طبقه کارگر ایران تمرکز و پیگیری مستمر بر مطالبات صنفی است.

کافی است برنامه ای برای تمرکز اعتصاب ها، اعتراض های کارگری در هر شهر، استان و در سطح کشور، توسط کارگران پیشرو، تهیه و به مورد اجرا گذاشته شود، به فرض، در هر شهر، کارگرانی که دستمزد خود را دریافت نکرده اند، "دوشنبه هر هفته ساعت ۱۰ صبح، در برابر فرمانداری تجمع می کنند"، استفاده مناسب از همه ابزار موجود برای اطلاع رسانی گسترده در بین کارگران، برای دعوت و ایجاد انگیزه در این مورد بسیار ضروری است.

از این رو با استناد به اخبار دریافتی مشاهده می شود که سهم بزرگی از اعتراض های کارگری برای مطالبات معوق دستمزد، در واحد های، مختلف تولیدی، توزیعی و خدماتی بوقوع می پیوندد.

طی سال گذشته هزاران تجمع اعتراضی صنفی کارگران، در کشور انجام شده است که با توجه به سانسور شدید رسانه ها، از طرف سیستم اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، بخش کمتری از این اخبار در دسترس مردم قرار گرفته است، با این وجود، چه کارخانه هایی که تعطیل شدند و کارگران آن ها نتوانستند مطالبات خود را دریافت کنند و چه کارفرمایانی که از پرداخت دستمزد به کارگران به هر دلیلی طفره می روند، ولی برای خود و سفر های چند ده میلیونی شان به خارج از کشور و شرکت در نمایشگاه های خارجی، همیشه پول کافی در اختیار دارند، یک نکته دارای اهمیت است و می توان با اطمینان گفت در شرایط حاضر، مطالبه دستمزد نقطه ثقل مبارزه کارگری است، که فعالان این حوزه می توانند، با توجه به این فصل مشترک اتحاد هر چه بیشتر طبقه کارگر و سازمان دهی آن را برای ادامه پیگیری مطالبات خود رقم زنند و گام به گام مبارزه صنفی را گسترش دهند. پرسش در این است که چرا با وجود این زخم کهنه در جنبش کارگری ایران، هم چنان مبارزه کارگران برای دریافت دستمزد، آن چنان که باید و شاید به بار ننشسته است؟

پاسخ در ظاهر بسیار روشن است، ولی برای به حرکت وا داشتن کارگرانی که مطالبه دستمزد دارند تا حدودی وارد فاز اجرایی شدن ضرورت دارد.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

برای بدست گرفتن تشکل وارد کارزار می شوند،
بنابراین تشکل تیم رهبری کننده شناخته شده از خالص ترین افراد، و خصوصا در اختیار داشتن ابزار ارتباط جمعی، برای رهبری این حرکت بسیار در نتیجه تعین کننده است که نباید به هیچ عنوان از آن غافل شد.

تردیدی نیست که اعلام تجمع عمومی با توجه به تجمع ها مختلفی که در شهرستان ها (اکنون نیز انجام می شود) به این شرط که اطلاع رسانی مناسب صورت گیرد، با همان فرمول عنوان شده در بالا، قابل دسترس است. کارگرانی که هر هفته در استان ها و یا در تاریخ مشخص در برابر مجلس تجمع می کنند، قبل از حضور در برابر مجلس یا فرمانداری ها می توانند، با روزنامه ها، سایت ها و خبرگزاری ها نسبت به این برنامه خود ارتباط گرفته و اطلاع رسانی کنند و با حضور در خبرگزاری ها یا روزنامه ها با برگزاری میزگرد همراه با گفت و گو، حرکت اعتراضی خود را در ابعاد گسترده تر منعکس کنند. در این تجمع ها نباید دست خالی برگشت، می توان با درخواست حضور فرماندار، یا نمایندگان مجلس در برابر معترضان و نوشتن صورت جلسه از مطالبات خود و تایید طرف مقابل و در اختیار گذاشتن این صورت جلسه ها به رسانه ها در آگاهی رسانی و تهیه اسناد بیشتر برای ادامه پیگیری اقدام کرد.

سریع تر و با قدرت بیشتر ادامه پیدا کند.

برای مثال اعلام می شود: پانزدهم هر ماه ساعت ۱۰ صبح، کارگرانی که از سراسر کشور دستمزد دریافت نکردند، در برابر مجلس با پلاکارد ها، طومار و ... خود تجمع می کنند.

تردیدی نیست که در کلان شهر ها یا شهر ها صنعتی با وجود فعالان کارگری با تجربه، اجرا و سازمان دهی چنین اعتراض هایی به مراتب عملی تر است.

اصل موضوع در این است که در شهر خود یک روز را به عنوان مطالبه صنفی در برابر مجلس، دولت یا فرمانداری بوجود آوریم و یا تکرار، چه در تبلیغ و چه به صورت عملی آن را به یک فرهنگ مبارزه در منطقه خود بدل کنیم.

در چشم انداز این حرکت، تشکل کمیته های مختلف، کمیته پیگیری، کمیته نمایندگان کارگری و بسط و گسترش تشکل های مستقل کارگری قابل دسترس است. با توجه به این که حرکت مذکور از سوی شما کارگران آگاه بوجود می آید، ضمن هدایت جریان به صورت کار جمعی و هماهنگ، مابین فعالان کارگری شناخته شده، باید از دو آفت در جنبش کارگری بر حذر بود، اولین آفت حضور نیرو های امنیتی برای نفوذ و به بیراهه کشاندن اعتراضات صنفی است و دومین معضل وقتی است که این تشکل ها قدرت گرفتند و از آب و گل در آمدند، افراد فرصت طلب

اعتراض آن ها در عمل به هم پیوند زده می شود. اما نکته ای دیگر که: در این میان برای تشکیل گروه تلگرامی که محور هدایت کارگران خواهد بود، با نوشتن یک شماره بر روی پلاکارد و نصب آن در محل تجمع، اقدام به تشکیل یک اتاق مجازی کنید، چنین امکانی این فرصت را به شما می دهد که، در آن واحد یا ارسال اخبار یا تبادل فکر مابین فعالان کارگری، بتوانید با تشکیل یک تشکل مجازی قدرت مند، وسیع، موثر و کارآمد در مبارزه صنفی اقدام کنید.

برای تشکیل اتاق تلگرامی احتیاج به دریافت شماره تلفن از کسی نیست، کافی است لینک اتاق را منتشر کنید، یا آدرس لینک را در سایت خود بگذارید و از کارگران بخواهید توسط لینک وارد اتاق شوند، این کار باعث می شود، سرعت پیوستن کارگران از یک سو بیشتر و از سویی دیگر، نام و شماره ای از کسی ثبت نخواهد شد.

کسانی که تاکید به گرفتن شماره تلفن فعالان کارگری یا حاضران می کنند، حتما نسبت به آن ها با حساسیت بیشتری برخورد کنید، تا بتوانید نیرو های نفوذی را از نیرو های نا آگاه بهتر تشخیص دهید.

پرواضح است که چنین روشی در مبارزه صنفی به شهرستان یا استان نباید ختم شود، در حین این که هر هفته این نوع تجمع ها در برابر فرمانداری ها انجام می شود، تمام کسانی که در تجمع های استانی برای یک سوژه مشخص حضور دارند، در تجمع سراسری در تهران نیز می توانند، شرکت کنند تا با فشار بر مجلس یا دولت، پیگیری مطالبه های آن ها بهتر،





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

در یک روز مشخص در هر ماه در یک ساعت در برابر مجلس یا ریاست جمهوری، اقدام و استمرار آن را با توجه به آن چه عنوان شد و ابتکار هایی که در عمل کسب می شود، نسبت به تمرکز مبارزه کارگران و گسترش تشکیلات مستقل کارگری به انجام رساند.

شناخته شده می توانند با شناسایی فعالان دیگر در شهرستان ها پایه های ارتباطی و

گسترش تشکیلات خود را به انجام رسانند.

دستمزد، حیاتی ترین و در برگیرند ترین مطالبه ای است که می توان

با نگاه استراتژیک به آن و ایجاد حلقه های اعتراضی در شهر ها و پیوند آن به صورت پیوسته با تهران

تجمع کنندگان باید به چشم خود ببینند که مشارکت آن ها در این برنامه برایشان سود داشته است و با توجه به هر قولی که مجلس یا فرمانداری داد، می توان تاکید کرد که تا عملی نشدن آن قول ها ما تا آخر به تجمع خود، به صورت مستمر و هفتگی ادامه خواهیم داد و این رویه را نباید قطع کرد.

با تجمع گروه های مختلف در برابر مجلس یا ریاست جمهوری، فعالان تشکل های مستقل کارگری

از تجربه دیگران

نقش فدراسیون اتحادیه های کارگری در گفتمان اجتماعی - ۱۱

مقایسه اتحادیه اروپا و جامعه توسعه جنوب آفریقا

مریم نواز - نوامبر ۲۰۰۲

ترجمه: گودرز

۳ شورای هماهنگی اتحادیه های صنفی جنوب آفریقا (SATUCC)

۲,۲ شرکت در گفتمان اجتماعی جامعه توسعه جنوب آفریقا

۱,۲,۳ سازماندهی مشارکت اجتماعی در بخش کار و کارایی - ادامه

برنامه های آموزش تکمیلی در مؤسسات تامین اجتماعی در مراحل مقدماتی مذاکره بین شرکای اجتماعی است. در ارتباط با مقررات ضد تبعیض جنسیتی در SADC دولت ها و سایر شرکای اجتماعی در حال مذاکره بر سر جزئیات برنامه ای اند که روند و آییننامه های قانونی آن را در کشورهای عضو همسان نماید. آموزش حرفه ای، برنامه های بازآموزی، و تحقیقات علمی قرار است سیاست های ملی و مقررات قانونی و ملاحظات و محدودیت های اجرایی مربوطه را در کشور های عضو مطالعه نماید.

در گفتمان های اجتماعی ELS، مذاکرات با توجه خاصی به مساله HIV و AIDS جریان داشته، سلامت و ایمنی محیط کار، تامین اجتماعی و برابری و عدم تبعیض در درمان مورد توجه بوده اند. در سال ۱۹۹۷ یک آییننامه رفتاری درباره HIV و AIDS بتصویب رسید و توسط بیشتر کشورهای عضو هم مورد پذیرش قرار گرفت. نمایندگان دولت و سایر شرکای اجتماعی در ELS در سال ۱۹۹۹ یک قرار دیگر را درباره مقررات عمل با مواد شیمیایی در محیط کار تصویب نمودند که فقط در تعداد اندکی از کشورهای عضو اجرا می شود. ELS همچنین پیشنویس قرار را برای برقراری منافع تامین اجتماعی بصورت فرامرزی آماده کرده است که شامل آییننامه ای برای اجرای هماهنگ تامین اجتماعی می شود. پیشبرد



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶



دسامبر ۲۰۱۳، بوتسوانا: تجمع کارکنان دولت برای حقوق بیشتر

کارفرمایان برای شمول "حق ممانعت از ورود کارگران به محیط کار" هم وسیله نمایندگان کارگری رد شد. تنها پس از مذاکرات طولانی و تغییرات عمده بود که کارفرمایان سرانجام با پیش نویس اساسنامه توافق کردند که توافق ۲۰۰۱ را امکان پذیر ساخت. SATUCC این توافق را پیروزی مذاکرات نامید، ولی در مقام مقایسه با پیش نویس اولیه تنها نوعی سازش بر اساس حداقل مخرج مشترک موجود بود. این حقیقت که شورای وزیران این توافق حداقلی را هم رد کرد، بیش از هر چیز به عدم وجود هماهنگی در سطح ملی بین وزرای خارجه و دارائی در شورای وزیران و وزرای کار در ELS، و به محدودیت های گفتمان اجتماعی در درون SADC اشاره دارد. وزن برابر کارگران، کارفرمایان و نمایندگان دولت در مذاکرات بر اساس توافق جمعی در ELS عملاً با حق تصمیم گیری نهایی وسیله شورای وزیران محدود شده است. در اثر تداوم چنین وضعی گفتمان اجتماعی ارزش خود را برای لزوم اجرا بطور طبیعی از دست می دهد. علیرغم این موضوع باید توجه داد که از زمان سامان ساختار ELS در سال ۱۹۹۵، بعد، SADC در امور اجتماعی هیچ تصمیمی را بدون مشورت با شرکای اجتماعی پیش نبرده است. گرچه SATUCC محل هماهنگی و همیاری مابین اتحادیه های صنفی در سطح ملی است، آن را نمی توان یک شکل فراملیتی خواند.

توجه اصلی سکتور کارگری و کاریابی (ELS) در تمام این زمینه های سیاسی متوجه جمع آوری اطلاعات، بررسی شرایط عینی در کشورهای عضو SADC، و توسعه پروژه های ملی است. ELS همچنین تصویب و اجرای قرار های سازمان بین المللی کار را در سطوح ملی کشورهای عضو SADC دیدبانی می کند. نمونه ای از این موارد، حمایت از مادران و مبارزه با سوء استفاده از کودکان کار است، که ELS برای آن برنامه ریزی های عملی گسترده ای دارد. شرکای اجتماعی دیگر هم بر اجرای مقررات فوق الذکر تاکید ویژه قایل شده اند و آن را بدون اختلاف و با اتفاق اراء تایید کرده اند. گرچه در مواقعی تصویب قرار با توافق بوده اما در جزئیات مشکلاتی بروز کرده اند. استثنا اما چارچوب مقررات ویژه برای حقوق اجتماعی پایه کارگران است، که در SATUCC از سال ۱۹۹۲ و در ELS از سال ۱۹۹۵ موضوع مذاکرات و بحث های تند و داغ بوده است. در فوریه ۲۰۰۱ نمایندگان سه جانب کارفرمایان، کارگران و دولت در ELS بر سر یک سازش به توافق رسیدند، اما بدلیل ضمائم ویژه درباره منابع بازنشستگی (مؤثر بر بودجه کشورها) این توافق بدون تصویب نهایی از شورای وزیران به ELS برای مشورت بیشتر برگشت داده شد.

این چارچوب اجتماعی برای اولین بار حداقل استاندارد های رابطه کارگران و امور اجتماعی را در مناطق تحت پوشش SADC تبیین نمود. برای مدت طولانی بحث ها حول درخواست شورای هماهنگی اتحادیه های صنفی جنوب آفریقا برای قانونگذاری درباره کارگران مهاجر دور می زدند که وسیله دولت ها رد شده بودند. درخواست



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

دیگر کشورها

لغو قانون تحدید حقوق سندیکایی در اسپانیا



ایگناسیو توشو دبیر کل " کمیسیون های کارگری " و په په آوارز دبیر کل " اتحادیه همگانی کارگران در مجلس نمایندگان به هنگام تسلیم پیشنهاد لغو ماده ۲/۲۱۵ از قانون مجازات عمومی.

پارلمان اکثریت مطلق را داشت و با تکیه بر این اکثریت بخش وسیعی از آزادی های اجتماعی و سندیکایی را محدود کرد و هم چنین یکی از ارتجایی ترین قوانین کار دو دهه اخیر را در این کشور بتصویب رساند. البته این مصوبات بی دلیل نبودند، بر بستر بحران عمیق اقتصادی که از سال ۲۰۰۷ اسپانیا شروع شد، دولت راست گرای پوپولار با اتخاذ سیاست های اقتصادی نئو لیبرال بخش وسیعی از طبقات پایین و کم در آمد را بسمت فقر بیشتر برد و با تصویب قوانین ضد کارگری طبقه کارگر را در شرایط بحرانی قرار داد. این

حزب پوپولار از ماه نوامبر سال ۲۰۱۱ اسپانیا حکومت می کند. این حزب تمامی گرایشات راست گرای اسپانیا را از افراطی ترین آنها تا معتدل ترینشان را زیر یک پرچم جمع کرده است. تا اواخر ۲۰۱۵



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

در انتخابات سال ۲۰۱۶ ترکیب مجلس با ورود نمایندگان احزاب تازه ایجاد شده نظیر پودموس و سیودادانوس و تقلیل نمایندگان حزب پوپولار و حزب سوسیالیست بکلی دگرگون شد. حزب پوپولار اکثریت مطلق خود را از دست داد و حزب پودموس داعیه مبارزه با فساد و دفاع از عدالت اجتماعی وارد صحنه سیاست اسپانیا شد.



تمهیدات اقتصادی تشنجات اجتماعی و تشدید مبارزات صنفی از طریق صفوف سندیکاها را پیش بینی می کرد. تصویب قوانینی که اعتراضات اجتماعی و سندیکایی را محدود می کرد دقیقاً مقابله پیش رس با این اعتراضات بود. تصویب لایحه و ۳/۳۱۵ و گنجاندن آن در قانون مجازات عمومی در این راستا در سال ۲۰۱۵ در مجلس به انجام رسید و تا کنون با تکیه به آن ۳۰۰ فعال سندیکایی تحت پیگرد قضایی هستند و برای بعضی از آن ها از طرف دادستان تا چهار سال تقاضای زندان شده است.

در چنین شرایطی روز ۱۷ ماه جاری ایگناسیو توشو دبیر کل " کمیسیون های کارگری " به همراه په په آوارز دبیرکل " اتحادیه همگانی کارگران " پیشنهادی را به مجلس ارائه کردند که در آن از گروه های پارلمانی می خواهند تا ماده ۳/۳۱۵ قانون مجازات عمومی را که عملاً حق اعتصاب کردن کارگران را محدود می کند لغو کنند. حزب سوسیالیست، اونیدوس پودمس، ایزکیردا ریوبلیکانا بلافاصله از این پیشنهاد پشتیبانی کردند و پیش بینی می شود بزودی این ماده از قانون مجازات عمومی اسپانیا حذف شود.

**در این راستا از
سال ۲۰۱۵
تا کنون ۳۰۰ فعال
سندیکایی تحت
پیگرد قضایی قرار
دارند**

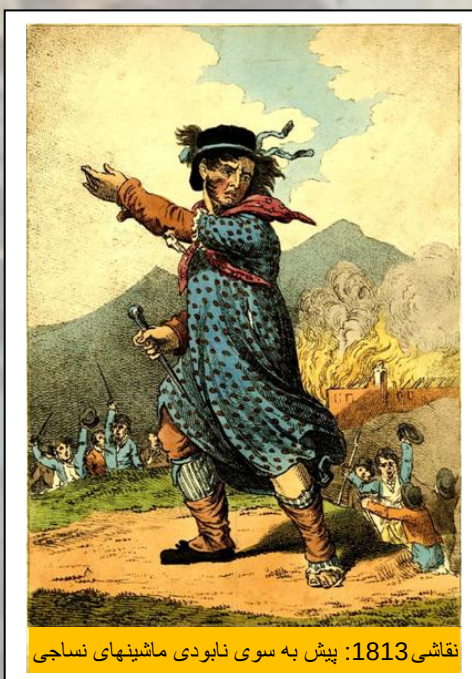


بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

از جهان کار

جهان بدون کار (بخش دوم)



نقاشی ۱۸۱۳: پیش به سوی نابودی ماشینهای نساجی

دیرک تامپسون

آتلانتیک، اوت ۲۰۱۵

در بخش نخست این مقاله تشریح شد که نابودی گسترده کار طلیعه یک انتقال اجتماعی است، متفاوت با همه مواردی که تا کنون دیده شده اند. در آن صورت نجات کار، به عنوان یک رابطه کلی، به مراتب مهمتر از نجات این یا آن شغل مشخص خواهد بود. بنابراین این سؤال مهم مطرح شد که "اگر کار ناپدید شود، چه پیش خواهد آمد؟"

پالو آلتو تهیه شده بود). اما در سال ۱۹۶۲ کندی در برابر این هشدار، چنین استدلال کرد: "اگر انسان توان آن را داشته باشد ماشینهای اختراع کند که کار را از انسانها بگیرند، همچنین توان آن را خواهد داشت که آن انسانها را به کار بازگرداند." اما دو سال بعد از این اظهارات، کمیته ای متشکل از دانشمندان و فعالان اجتماعی نامه سرگشاده ای به لیندون جانسون نوشتند که در آن آمده بود: "انقلابات سبیرنتیک می تواند منجر به گروه های وسیع تهیدستان، بی مهارتها، بیکاران و از این قبیل گردد؛ کسانی که قادر نخواهند بود کاری پیدا کنند و از عهده حوائج حیاتی شان برنایند."

نیروی کار کنونی امریکا ماحصل صدها سال تحولات تکنولوژیک است. تکنولوژی کشاورزی زائیده کشاورزی صنعتی است، انقلاب صنعتی انسانها را به کارخانه ها کشاند، سپس روند جهانی شدن و اتوماسیون دوباره آنها را از کارخانه ها بیرون راند و به نوعی "ملت خدماتی" شکل بخشید. در جریان همه این بازآرایی ها همیشه تعداد فرصت های شغلی افزایش می یافته است. اما آنچه که اکنون جریان دارد، دورانی از بیکاری تکنولوژیک است؛ دورانی که دانشمندان کامپیوتر و مهندسان نرم افزارها ما را از کار اخراج می کنند و تعداد کل مشاغل دائما کاهش می یابد.

این البته ترس ناشناخته ای نیست. این امید که ماشینها بتوانند ما را از استثمار رهایی بخشند، همواره با این ترس همراه بوده است که نکند آنها همین کار اسارتبار را از چنگ ما درآورند. در میانه بحران بزرگ سالهای سی قرن گذشته در امریکا، جان مینارد کینز، اقتصاددان، پیش بینی کرد که پیشرفت تکنولوژیک می تواند تا یک قرن پس از بحران، امکان ۱۵ ساعت کار در هفته و اوقات فراغت فراوانی را برای همه فراهم آورد. اما تقریباً در همان ایام هربرت هوور، رئیس جمهور امریکا، نامه را دریافت کرد که در آن هشدار داده شده بود که تکنولوژی صنعتی "فرانکنشتین هیولائی" است که تولید را برهم خواهد زد و تمدن ما را "خواهد بلعید" (این نامه توسط شهردار شهر



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

۲. دلایل آنان که فریاد می زنند "روبات آمد"

معنای دقیق "پایان کار" چیست؟ این اصطلاح به معنای وقوع بیکاری کامل نیست. به این معنا هم نیست که مثلاً ایالات متحده در خلال ۱۰ سال آینده ۳۰ درصد یا ۵۰ درصد بیکار خواهد داشت. بلکه به این معناست که تکنولوژی می تواند فشاری اگرچه کم اما دائمی را بر ارزش و وجود کار، یعنی بر دستمزدها و بر سهم کارگران تازه کار در مشاغل تمام وقت، اعمال کند. میزان این فشار می تواند منجر به نرم کار جدیدی شود، تا آنجا که برای بخش قابل توجهی از یک جامعه، کار دیگر وجه غالب مرکزی زندگی انسان بالغ نباشد.

بازار کار در آن سالها به مقابله با این "مخالف خوانان" برخاست. طبق آخرین گزارش مربوط به تعداد مشاغل، این بازار در زمانه ما نیز رفتار مشابهی داشته است. نرخ بیکاری در سالهای اخیر از ۵ درصد بیشتر شده است و سال ۲۰۱۴ در قرن جاری بهترین سال برای رشد تعداد مشاغل بوده است. ظاهراً پیش بینی های اخیر دایر بر زوال تکنولوژیک مشاغل آخرین فصل داستان بلندی را به اسم "چوپان دروغگو، که داد می زد روبات آمد" می سازند که تفاوت آن با داستان اصلی این است که در داستان اصلی بالاخره سروکله گرگ پیدا می شود، اما در این داستان از روبات خبری نیست.

ادعاهای دایر بر "پایان کار" غالباً با تشبیه سفسطه آمیز این ادعا با "لودیسم" (خرابکاری) تخطئه می شوند: در جریان انقلاب صنعتی در انگلستان قرن ۱۹، بودند نساجان و کارگرانی که دست به خرابکاری در ماشینهای نساجی می زدند. ترس آنان این بود که ماشینها جای دستبافان را بگیرند. اما برخی اقتصاددانان دورنگر نگرانی شان را پنهان نمی گذارند و جوهر فکری را که واکنشهایی چون خرابکاری در ماشینهای نساجی را موجب می شوند، غیرواقعی نمی دانند. آنها البته بر این نظر اند که این واکنشها بدوی و ناسنجیده بوده اند. به قول لاورنس سامرز، وزیر دارائی سابق امریکا، "در سالهای دهه ۱۹۷۰ بسیاری از اقتصاددانان، به زبان خودشان، انسانهای ابلهی را که فکر می کردند در اثر اتوماسیون تمام مشاغل از بین خواهند رفت، تحقیر می کردند. تا چند سال پیش خود من هم با این اقتصاددانان همفکر بودم. فکر می کردم لودیسم یکسره ناحق بوده است و معتقدان به پیشرفت تکنولوژیک یکسره حق داشته اند. اما امروز در این باره مطمئن نیستم".

قاسی 1813: پیش به سوی نابودی ماشینهای نساجی

یادداشت منتخب

احکام طویل المدت برای فعالان صنفی

رضا مسلمی

سایت حقوق معلم و کارگر

پس از سال ها وقفه در تمدید پروانه فعالیت کانون های صنفی فرهنگیان با روی کار آمدن دولت یازدهم پروانه برخی شکل های صنفی از جمله کانون تهران تمدید شد. با این حال در برخورد با فعالان صنفی فرهنگیان هیچ تغییر ایجاد نشد به گونه ای که در طول چهار سال دولت تدبیر و امید همچنان شاهد احکام طویل المدت برای فعالان صنفی هستیم.

برخورد با فعالان صنفی که منتقد کاستی های نظام آموزشی کشورند در حالی انجام می شود که قسمت قابل توجهی از دارایی های کشور در دوره ی هشت ساله دولت نا محمود ناپاک دست!! بعضا حتی توسط دولتیان با نام اختلاس به یغما رفت.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

با دقت در احکام صادره علیه فعالان صنفی و مقایسه آن با پرونده اختلاس گران، سوالات زیادی در ذهن ایجاد می شود. به عنوان مثال در حکم صادره علیه اسماعیل عبدی این گونه آمده است:

... رفتن بر مزار دکتر خانعلی (معلم شهیدی که در دهه چهل در جریان اعتراضات صنفی کشته شد)

... شرکت و ساماندهی پیاده روی فرهنگیان

... قصد شرکت در کنگره هفتم سازمان جهانی معلمان (که جمهوری اسلامی ایران نیز عضو این سازمان جهانیست) و اتهاماتی از این دست.

و در پرونده ی اختلاس گران، غارت ارقام ماورای نجومی، گم شدن دکل های نفتی، اسکله های نا مرئی، گم شدن چمدان های پر از پول و... جالب تر اینکه مختلسان افراد شناخته شده ای همچون معاون اول دولت پاک دست نهم و دهم! و بابک نامیمونی که با دولتیان عدالت محور عکسهای یادگاری میگرفت و محرم اسرار خلوتشان بود .

مقایسه ی اتهامات اسماعیل عبدی با جرایم این نابود گران بیت المال این سوال را در ذهن ایجاد می کند که به راستی چه کسانی برهم زنده ی امنیت ملی هستند؟

معلمی که تمام تلاشش تربیت فرزندان این آب و خاک است چگونه میتواند امنیت ملی را برهم زند؟

معلمی که میپرسد اموال فرهنگیان در صندوق ذخیره فرهنگیان را چرا و چگونه خالی کرده اند، چگونه می تواند برهم زنده ی امنیت ملی باشد؟

معلمی که دولت ها را به اجرای قانون فرا میخواند، چگونه می تواند زنده امنیت ملی باشد؟

معلمی که می گوید حقوق دانش آموزان باید رعایت شود، مدارس باید ایمن شوند، کودکان بازمانده از تحصیل باید به مدارس بازگردانده شوند، بر هم زنده امنیت ملی نیست.

مسئولان امنیتی باید در جای دیگر دنبال برهم زندگان امنیت ملی باشند، چرا که معلم، ذاتاً نمی تواند بر هم زنده امنیت ملی باشد.

امروز ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ و بیستمین روز اعتصاب غذای #اسماعیل_عبدی معلم و فعال صنفی زندانی است. ۲۰ روز اعتصاب غذایی که هدفش احقاق حق است.

۲۰ روز گرسنگی برای رساندن صدای بیگناهی.

جمعی از فعالان صنفی فرهنگی

۲۰ روزی که ثابت می کند: تا آزادگان زنده اند، آدمیت زنده است.

اسماعیل عبدی در این مدت نزدیک به پانزده کیلو وزن کم کرده است، و جان او در خطر است.

نزدیک به پانزده هزار معلم، با تشکیل کمپین، درخواست آزادی اسماعیل عبدی را از مسئولان سه قوه امضا کرده اند. در این درخواست امضا کنندگان گواهی داده اند که اسماعیل عبدی صرفاً یک فعال صنفی است و هدفی جز اصلاح نظام آموزشی نداشته و ندارد.

این معلمان انتظار دارند که مسئولان قوای سه گانه با درایت و عقلانیت و پیش از آنکه دیر شود، از بروز فاجعه ی احتمالی پیشگیری نمایند.



بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

تشکل‌ها

سازمان آموزش بین الملل:

عبدی را آزاد کنید

حقوق معلم و کارگر

گوش فلک را کر کرده است، بدون توجه به مقابله نامه‌های بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی ICCPR و اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی ICESCR و قوانین سازمانهای جهانی ILO و EI که جمهوری اسلامی ایران متعهد به رعایت آنهاست؛ شاهد بازداشت اعضای هیات مدیره کانون‌های صنفی معلمان و تشکلهای مستقل کارگری و تشکیل دادگاه‌های چند دقیقه‌ای هستیم که همه‌ی افراد با اتهامهای مشخص و یکسانی مثل: «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، فعالیت تبلیغی علیه نظام و...» محاکمه و روانه زندان می‌شوند.»

آموزش بین الملل قویا، زندانی شدن عبدی توسط مقامات دولتی، به دلیل فعالیت های صنفی و مطالبه آموزش رایگان و در دسترس بودن آموزش عمومی برای همه، را محکوم می کند EI. معتقد است که ایران به جای توجه به خواسته معلمان، برای اتحادیه های مستقل، دستمزد زیرخط فقر، بهداشت و درمان عمومی مناسب و معقول، طرح بازنشستگی مناسب و معقول، آموزش رایگان، کلاس درس امن برای دانش آموزان، و توقف خصوصی سازی آموزش و پرورش، فشار بر فعالان معلمان را ادامه داده است.

سازمان آموزش بین الملل یک بار دیگر فراخوان همبستگی جهانی را با فعال صنفی معلمان تکرار می کند و از مقامات دولتی مصرانه می خواهد بی درنگ اسماعیل عبدی را آزاد کنند. بخشی از متن فراخوان سازمان آموزش بین الملل از قرار زیر است:

آموزش بین الملل (EI) نگرانی خود را در مورد سلامت اسماعیل عبدی زندانی یکی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران ابراز می دارد. در حال حاضر (در شانزدهمین روز از اعتصاب غذا) عبدی ۱۶ کیلوگرم از وزن خود را از دست داده، و جانش در معرض خطر جدی است. عبدی که در شمال غرب تهران و در اوین زندانی شده است در ۷ اکتبر در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر تهران به شش سال زندان محکوم شده است. عبدی که در ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت ماه) اعتصاب غذای خود را آغاز کرده است بر علیه رفتار ناعادلانه علیه فعالین مدنی در ایران و «عدم استقلال قوه قضاییه و صدور احکام برای فعالان معلمان و فعالان مدنی به دلیل فعالیت مدنی» دست به اعتراض زده است. عبدی بیانیه ای را در ۲۲ آوریل انتشار داد و در آن دولت را به دلیل ادامه سرکوب معلمان تقبیح کرد: «اینک در فضای پسابرجام که فریاد قانونمندی، مردمسالاری، حقوق بشر و آزادی‌های مدنی دولتمردان،



تاوان معلمی، من فریاد سر خواهم داد

(بخش هفتم و هشتم)

اشاره:

تاوان معلمی، خاطراتی است که رسول بدایی، فعال صنفی معلمان، از روزهای سپری شده در زندان به قلم آورده است. بولتن کارگری، به نقل از سایت حقوق معلم و کارگر، در شماره ۱۸۰ این نشریه بخش اول و دوم این متن را منتشر کرد و ادامه این خاطرات در شماره ها بعد بولتن انتشار یافت.

بی شک دوران زندان برای هر مبارزی دارای آموزه های ارزشمندی است که تا پایان عمر از یاد نخواهد رفت، دنیایی از تجربه، آموزش و یاد گیری، کوره ای که مبارزان راه آزادی و عدالت در آن، آبدیده تر و با تجربه تر می شوند، هر چند که با شکنجه های مختلف و فشار های روحی و جسمی بسیار همراه است.

به قول احسان طبری:
" در این میدان اگر پیروز گردی گویمت، گردی
وگر بشکستی آن جا، زودتر از مرگ خود، مُردی"

رسول بدایی، معلمی که حتی در انفرادی یک لحظه از یاد مردم و خانواده اش غافل نیست، چنان زیبا احساسات انسانی را از میان اوج شقاوت سیستم جهنمی زندان های جمهوری اسلامی ایران تصویر می کند که هر مخاطبی را تحت تاثیر قرار می دهد. با احترام به همه مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی، قسمت هفتم و هشتم این خاطرات به شرح زیر تقدیم شما می شود.

بخش هفتم:

به نجات معلمان می اندیشیدم و خدمتی که می کردند، به پاکی قلب و نیک خواهی اغلب معلمان می اندیشیدم،

سخن چه بود؟ آنچه در اندیشه ی یک معلم هست، دراندیشه ی معلم چه وجود دارد؟ علم از ثروت بهتر باشد، ثروت هم باشد، اما وسیله ای برای رسیدن به علم. در خلوت فراهم آمده فرصت بسیاری یافته بودم که بیندیشم، می اندیشیدم و می نگاشتم اما بیشترش را به ذهن می سپردم،

در دنیای ذهنی خودم داشتم زندگی می کردم، گاه می نوشتم، گاه می اندیشیدم، گاه پرخاش می کردم، گاه در مغز خود فریاد می زدم، فریادی که هیچ شخصی صدایم را نمی شنید، مگر درون خودم، گاه در پیچ و خم خیال خود سپاهی از آدمیان را گرد می آوردم، و برایشان سخن می گفتم؛



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

۱۵ سانتی متری درب سلول بیرون
را نگاه کردم، یکی از ماوران زندان

به نام میر... لوله آب سفیدی از جنس پلاستیک به دست گرفته بود، و آن را در هوا می چرخاند، مانند پهلوان ها معرکه گرفته بود، حریف می طلبید، هیچکس بیرون نبود، همه در درون سلول ها آن سوی درهای قفل شده بودند، برخی از زندانیان برای خوش خدمتی بیرون می رفتند، چند تایی شلاق از دست مامور می خوردند، به درون سلول برمی گشتند، این درحالی بود، که مامور زندان آمده بود تا در نوبت پایان شب زندانیان را به سرویس بهداشتی بفرستد. هرکس را راهی دستشویی می کرد، چند ضربه ای روی کت و کولش می زد، سپس بدرقه اش می کرد.

میر... همچنان فریاد میزد: هرکس کتک می خواهد، بیاد بیرون، یالله کتک یالله کتک! داشت حوصله ام سر می رفت، تا این که کار بدتر شد، جوانی در آن سوی سالن هنوز ضجه می زد، پس از آنکه کار گوش مالی بچه به پایان رسید، میر... به سراغ آن جوان رفت، از دریچه داشت با جوان حرف می زد، جوان التماس می کرد، مثل کسی که جانش در دست دیگری باشد، جوان برای رسیدن به خواسته اش، از هیچ التماس و خواهشی فروگذار نبود، میر... او را از سلول بیرون آورد، از او خواست تا صدای سگ در بیاورد، صدای گربه، صدای عرعرخ، خلاصه همه ی صداها را این جوان سر داد، میر... از او خواست پاهایش را ببوسد، جوان به زمین افتاد، پاهای میر... را بوسید.

شهرستانی، استانی و کشوری
برگزار کنند؟ معلمان خود برنامه ی
تدریس داشته باشند، و گوش به
فرمان هیچ حکومتی نباشند، بلکه

همراه هیات مدیره ی کانون ها
برنامه ی تدریس و آگاهی رسانی
را به جامعه تزریق کنند؟ آ
یا روزی خواهد آمد دانش آموزان
هم کانون های صنفی دانش آموزی
داشته بپس وجود آورند؟
در زندان معمولا پس از آمارگیری
(در زمستان ساعت ۱۶ و در
تابستان همان ساعت ۷ تا ۸) شام
و صبحانه را تخس (پخش) می
کنند، درها بسته می شود.
در آن روز شام تخس (پخش) شده
بود، حال برخاستن نداشتم،
گرسنگی و تشنگی تنهایی درهم
آمیخته بود، حس می کردم که زنده
به گور شده ام، مرا به خاک سپرده
اند، اما هنوز مردم از قبرستان دور
نشده اند، صدای همه ی مردم
را می شنوم، اما صدای من به هیچ
شخصی نمی رسد، در روزهای
نهم و دهم اعتصاب غذا بودم، حس
می کردم که کله ام مانند یک
قوطی توخالی شده است.
هنگامی که سرم را تکان می دادم،
حس می کردم سنگ هایی درون
کله ی من به دیواره ی سرم برخورد
می کند، باید دقایقی بدون حرکت
می ایستادم تا این سنگ ها آرام
آرام ته نشین می شدند، و لحظه
ای که سرم را تکان می دادم،
دوباره این سنگ ها به شدت به
دیواره ها برخورد می کردند، در این
گیر و دار بودم، در میان خواب
بیداری که صدای ضجه ای از آن
سوی سالن قلب مرا آتش می زد،
همه ی دردهای خودم را از یاد
بردم، نیروی تازه ای در من زنده
شد، از جا برخاستم، از قاب ۱۵ در

و این که آیا روزی حاکمانی
خواهند آمد، که باورش این شود،
جهان را از راه تربیت انسانی باید
ساخت، نه با زور بمب و موشک؟
آیا روزی خواهد آمد، که مردم بدانند
که خداهمان اندیشه است؟
آیا روزی خواهد آمد، که در فرم
های استخدامی جایی برای
معرفی دین و مذهب نباشد؟
آیا روزی خواهد رسید که معلمان
کاری به کتاب های درسی نداشته
باشند؟ معلمان از راه
آزمایش، گردش علمی، پژوهش،
کار عملی و کار میدانی تدریس
کنند؟



آیا روزی پیش خواهد آمد که در
کانون ها اندیشه مندترین معلمان
هیات مدیره شوند، بخش های
هنری، علمی، ورزشی در کانون ها
درست شود، و در این شاخه ها
مسابقات مدرسه ای، منطقه ای



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

برداشت بدی نکند، با لحن
ملایمتری ادامه دادم:

دوست عزیز این طرز برخورد با یک انسان نیست، درست است که او الان به شدت نیازمند متادون است اما نه در شان شما است، و نه او شایسته ی این رفتارها، هر چه باشد یک انسان است. فهمید که من منظور بدی ندارم، آرامش به چهره ی برافروخته اش بازگشت، نفس هایش داشت به حالت عادی برمی گشت، در مغزش دنبال واژه هایی برای توجیه می گشت، اما گویا چیزی به خاطرش نرسید، ناگهان پرسید: _ شما چه کاره هستید؟ (دریچه ی چشمانش را تنگ تر کرده بود. سگرم هایش رادرهم تنیده بود، به همان حالت داشت، تلاش می کرد، مرا بیشتر بشناسد، تصور می کرد، و در تلاش بود که مرا به جا آورد. شاید هم به فکر نقشه ای برای آزار من بود). می دانستم منظورش این است که شغل شما چیست، پاسخ دادم: من معلم هستم. باگردش چشمانش اطراف را برانداز کرد و گفت: اگر تو معلم هستی من استاد دانشگاه هستم. _ پس این دیگه وظیفه ی شما را سنگین و کار شما را غیرقابل توجیه می کند، اگر کسی بود که سواد نداشت، آدم می گفت که در این رابطه کتابی نخوانده است، اما شما که استاد دانشگاه هستید، چرا؟

می دانستم که بلوف زده است، و استاد دانشگاه نیست، اما می خواستم از این حرفش استفاده کنم، وقتی با او سر بحث را در باره ی رشته و دانشگاه و غیره باز کردم، بدون آن که چیزی بگویم، آن جوان را فرا خواند تا به درمانگاه

برسد. من نزدیک به ۳ تا ۴ دقیقه بود، که سرپا ایستاده بودم، مانند کشتی گیرهایی که از روی تشک بیرون آمده بود، خسته و کوفته و بریده بریده با آقای میر... گفت و گو می کردم. حس می کردم مانند، مشکی خالی، فقط پوستم مانده است، توان حرف زدن نداشتم. حرف ها هم نصف و نیمه از حنجره ی من بیرون می آمدند. پلک هایم را به زور بلند می کردم. آن شب هم غمی تازه به غم های من افزوده شد.

بخش هشتم:

یازده روز بود که چیزی نخورده بودم، از این یازده روز دست کم هفت روز آن را به سختی آب هم به بدنم می رسید. در اعتصاب غذا، خوردن آب بسیار به زنده ماندن کمک می کند، من آب روزی چهار لیوان می خوردم، آن هم زمانی که



عکس منتشر نشده ای از مراسم نوروز در بند سیاسی زندان کوهرداش (رجایی شهر)
{ از صفحه فیس بوک زندان رجایی شهر }

**همچنان فریاد می زد:
هرکس کتک می
خواهد، بیاد بیرون، یالله
کتک یالله کتک! داشت
حوصله ام سر می رفت،
تا این که کار بدتر شد،
جوانی در آن سوی
سالن هنوز ضجه
می زد، پس از آن که
گوش مالی بچه ها به
پایان رسید، میر... به
سراغ آن جوان رفت**

من دیگر نتوانستم تحمل کنم، از درون سلول فریاد زدم: آقای میر... چه کار می کنی؟! همه ی نگاه ها به سمت سلول من برگشت، میر... شگفت زده به طرف سلول من آمد: _ بله؟! منظورت من بودم؟ _ بله منظورم شما بود! _ چه گفتم؟ این کار ها یعنی چه؟ این یک انسان است، شما حق ندارید با او این طور برخورد کنی! _ به شما چه ربطی دارد؟ _ من به حکم وظیفه ی انسانی می گویم که شما نباید، با یک انسان بیمار این طور رفتار کنی! میر... هنوز گیج و منگ بود، و البته شگفت زده، باورش نمی شد، که کسی با او این گونه برخورد کند، نزدیک و نزدیک تر شد، فاصله ی من و او فقط یک ورق آهنی بود، صورتش را تا نزدیکی دریچه آورد.

من به خاطر این که کلامم در روح و روان او تاثیر مثبتی داشته باشد، و



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

قند زیر موکت پنهان کرده بودم، اما مشکل من این بود، که آب نداشتم، دهانم هم خشک شده بود، به سختی قند توی دهانم آب می شد، و سخت تر از آن قورت دادن قند بود، به سختی از گلویم پایین می رفت، باید مدام قورت می دادم تا آخرین مولکول های قند از گلویم پایین برود، مدام در این اندیشه بودم که، واقعا خدایی هست یا نه؟ در خواب دیدن مردگان و نزدیکانم، و حضور در مجلس آنان تنها سرگرمی من شده بود، تا به خواب می رفتم، اطرافم را می گرفتند، چیز شگفت انگیزی که اکنون هم شگفتی مرا برانگیخته است این بود، که مادرم را در میان این مرده ها می دیدم، هنوز نمی دانستم مادرم مرده، بیدار که می شدم، از دیدن این خواب در شگفت بودم، و با خود می گفتم، مادرم در میان این مرده ها چه می کرد؟!

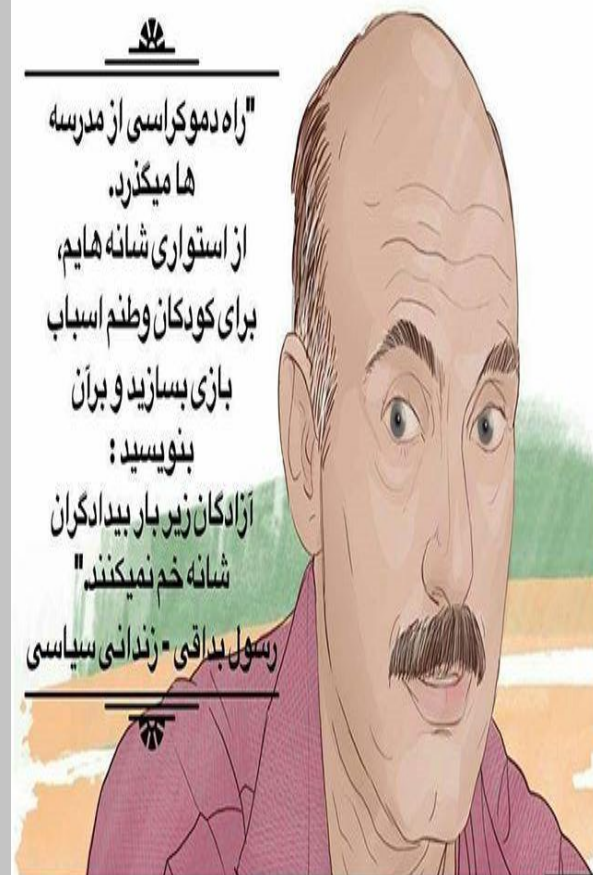
تو نگو که مادرم در همان روزها مرده و من بی خبرم! اصلا به مرگ مادرم فکر نمی کردم، اکنون هم باورم نمی شود، مادرم مرده است، زیرا نه بیماری اش را دیدم، نه جان کندنش را دیدم، و نه به خاک سپردنش را، فقط زمانی که من از زندان آزاد شدم مرا بالای مشتهی خاک بردند و گفتند این قبر مادر توست!!!

مادرم در یکی از همین روزها ی سخت، میان مرگ و زندگی من، در لابلای تخیلاتم نقش خویش را در زندگی به پایان برده بود.

نباید نیازی به دستشویی داشته باشم.

کسانی هم که گاه گاهی به من آب می رسانند، چشمشان ترسیده بود، به حسین قاتل هم دسترسی نداشتم، تعدادی از القائده که در حسینه ی انتهای سالن دربند عمومی بودند، روزی یک بار برای رفتن به هوا خوری باید از جلوی سلول های انفرادی ما رفت و آمد می کردند، چند بار از آن ها خواستم که یک لیوان آب به من بدهند، فقط به من نگاه می کردند، جواب درخواست مرا هم نمی دادند، تا چه رسد به این که برایم آب بیاورند. روزگار سختی داشتم، در تنهاترین دوران زندان بودم، نه هواخوری، نه آب، نه خوراک، نه سرگرمی، من بودم و دیوار و آهن.... ودل هایی مانند سنگ.

هرروز اوضاع من بدتر می شد، توان ایستادن جلوی دریچه را دیگر نداشتم، هرگاه برای حرف زدن یا سرپا ایستادن انرژی مصرف می کردم، باید سریع دراز می کشیدم، پیش از این که بر زمین بیفتم، وقتی هم دراز کش بودم، چیزهایی توی کله ام به سرعت، چپ و راست، بالا و پایین به دیواره ی سرم، می خورد، باید نیم ساعت بدون حرکت اعضای بدنم، درجا دراز کش می شدم، تا آرام آرام به حالت اول باز می گشتم، اگر یک لحظه عضوی از بدنم را حرکت می دادم، دوباره اشیای داخل مغزم به هم می ریخت، شاید در چند ساعت یکی دو دقیقه بیشتر نمی توانستم جلوی دریچه سرپا بایستم، دیگر فهمیده بودم، یک حبه قند، می تواند فقط یک تا دو دقیقه مرا سرپا نگه دارد، چند حبه



دستشویی می رفتم، با شتاب و هول هولکی، زیرا مامور از لحظه ی ورود به دستشویی ما را صدا می زد که برویم بیرون، برخی از مامورها هم نمی خواستند، که من دستشویی بروم چون به نظر آن ها



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

دراعتصاب غذا روزگار من سخت تر از این هم شد، در روزهایی که هنوز سرپا بودم، اکبری سلیم(شیخ که مامور زندان بود، و به شما قول دادم که داستان درگیری خودم را با او برایتان بیان کنم) جرات نزدیک شدن به مرا نداشت، اگر دستم به او می رسید، یا دستم به لباسش می رسید، او را ول نمی کردم، او خود می دانست، یک در فولادی بین من و او بود، کلید در هم دست او بود، به چشم های پر از خشم من که نگاه می کرد، به سرعت چشم هایش را می دزدید، می دانست می خواهم او را غافل گیر کنم، او هم این خشم مرا کاملاً حس کرده بود، من و شیخ داشتیم، جنگ سرد تاریخ شوروی و آمریکا را تکرار می کردیم، اما در درون یک سلول کوچک و تاریک!

من مانند شوروی در این جنگ شکست خورده بودم، اکنون دیگر خشم چشم های من خاکستر شده بود، او دیگر نیازی به درب آهنی نداشت تاسپرچانش باشد، من بادت خودم از پا درآمده بودم.

شیخ درسیزدهمین روز اعتصاب غذای من، پشت دریچه آمد، مرا صدا زد، تصور کرد که مرده ام، چند بار صدایم زد، من نمی توانستم پاسخی بدهم، کلید را درون قفل چرخاند، وانمود کرد که قفل را بیرون آورده است، باز منتظر واکنش من شد، فهمید که من واقعاً نمی توانم حرکت کنم، من می توانستم حرکت کنم، اما پس از حرکت مغزم در هم می پیچید و زمین می خوردم.

دارم آخرین نفس هایم را می کشم.

از اعتصاب غذا به شدت پشیمان شده بودم، پشیمان ازاین که خودم را مفت به کشتن داده بودم، نمی توانستم از جایم برخیزم، و صدا بزنم که پشیمان شده ام، فقط چشمم حرکت می کرد، ماموری که غروب ها می آمد تا از من امضا بگیرد که در اعتصاب غذا هستم، دیگرچند روزی بود که نمی آمد، این نیامدنش هم کاملاً روحیه ی مرا باخته بود.

به مرگ فکر می کردم ، و با خود می گفتم: "خداحافظ دنیا"

با خود فکر می کردم: "این هم پرونده ی زندگی کسی که هزاران آرزو داشت".

آن قدر فرصت داشتم که پرونده ی زندگی خودم را از کودکی تا کنون باز کنم و نقطه به نقطه بخوانم، تنها سرگرمی من درون مغزم همین مرور زنداگی ام بود.

از شما چه پنهان، همه ی مشکلات زندگی را از چشم کسی می دیدم که در روزگارجوانی عاشق اش بودم، باخود می اندیشیدم که اگر او با من بود، باز زندگی من همین روند را داشت؟

به گمانم آری!! همین بود. چون من همیشه خودم بودم، برای خوشایند

و بد آمدن هیچ کس زندگی نمی کردم ،همان بودم که خودم می خواستم.

دیگر نای حرکت نداشتم، مرگ خودم را داشتم تماشا می کردم، به یاد توله سگی افتادم که دربیابان های اسلام شهر به خاطراین که از گردن به پایین قطع نخاع شده بود، نه می توانست چیزی بخورد، و نه می توانست سرش را بجنباند، فقط چشم هایش در کاسه ی سرش می چرخید، و ناله ی ضعیفی از حنجره اش بیرون می جهید، من برایش شیرمی بردم، مادرش با ره گذرها با چشمانش حرف می زد، به آنها التماس می کرد، ضجه می زد، و از آن ها کمک می خواست، اما هیچکس به او اعتنایی نمی کرد، و زبانش را نمی فهمید، دقیقاً من هم چنین شرایطی را احساس می کردم، تا دست یاپایم را حرکت می دادم، توی کاسه ی سرم تیر می کشید، و چیزهایی مانند تیل، به سرعت به دیواره ی سرم برخورد می کرد، و در سرم می پیچید، دنیای عجیبی را تجربه کردم، مردم و دوباره زنده شدم، دوازدهمین روز اعتصاب غذایم بود، به بیرون فکر کردم به خیابان ها، به کوچه ها، به خانه ی خودمان، به بچه ها، به همسایه ها، به اقوام خود می اندیشیدم، برخی از همکاران فعال صنفی را تجسم می کردم، با خود می گفتم که اکنون هیچکس نمی داند من چه حالی دارم! آرزو می

کردم، کاش اکنون در فلان خیابان بودم و به سمت خانه می رفتم، کاش کنار شیر آبی بودم، پایم را از کفش بیرون می آوردم، در زیر آب خیس می کردم، به خیال خودم



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

سرزنش و سرکوفت می زد. برایم
مهم نبود، من داشتم با دشمنی
سرسخت تر به نام مرگ، دست و
پنجه نرم می کردم، سرزنش شیخ
برایم مهم نبود، او را مانند مگسی
یا لاشخوری که بالای لاشه ی
نیمه جان حیوان درنده ای بچرخد
تصور می کردم.

شیخ به این هم اکتفا نکرد....

“عاقبت دشمنان ولی فقیه به فضل
الهی همین است! مثل سگ بمیر!
دشمنی با آقا....؟”!

درباره ی این آدم در سخت ترین
روزهای درگیری ام با او، تا این
اندازه پلیدی را انتظار نداشتم.

پیش تر هنگام رفتن به دستشویی،
شیخ پتوهای مرا یکی یکی دزدیده
بود، دیگر چیزی نداشتم که زیر
سرم بگذارم، گرمکن ورزشی آبی
ام را زیر سرگذاشته بودم، شیخ
دور من می چرخید، و یک ریز به من

شیخ آرام آرام با احتیاط وارد شد،
یک پایش آماده جهیدن به طرف
بیرون بود، من همه ی انرژی ام را
در اعماق وجودم جمع کردم و پام
را تکان دادم، ناگهان شیخ بیرون
پرید، من هم مغزم به هم ریخت،
شیخ کمی پشت در منتظر ماند، و
مرا تماشا کرد، باز برگشت، با نوک
کفشهایش به پای من فشار می
آورد، داشت سبک سنگین می کرد،
اما من دیگر آخرین حرکتی بود، آرام
آرام بالای سرم آمد، حرفش این
بود:

تیتراخبار

**این صفحه، اختصاص دارد به تیترا خبر های کارگری در هفته ای که گذشت.
سرفصل جدیدی از بولتن کارگری، که در گسترش اطلاع رسانی و حمایت از جنبش کارگری به شرح
زیر ارایه می شود.**

/ تجمع جمعی از کارگران روغن قو مقابل وزارت کار

/ طلب مزدی کارگران شیشه قزوین از ۴ ماه گذشت

/ مدیر کل پزشکی قانونی استان گلستان اعلام کرد؛

/ عوامل مرگ معدنچیان در تونل زمستان یورت بررسی شد

/ رفع تبعیض در مخابرات؛ خواسته ما از دولت دوازدهم

/ سه ماه مزد معوقه کارگران آذربایجان به تجمع کشاند/ بخشی از مطالبات پرداخت شد

/ اطفاء حریق کارخانه ایران خودرو تبریز / حادثه هیچ مصدومی نداشته است

/ حریق در کارخانه ایران خودرو تبریز/ اعزام سه ایستگاه آتش نشانی به محل حادثه



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

- / علیرغم خاتمه کار؛ مطالبات در ستاره خلیج فارس پرداخت نشد
- / سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه: معلم زندانی آزاد باید گردد
- / دستفروشان، خواهان برسمیت شناختن شغل شان، بیمه و تشکّل هستند!
- / عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و عیدی کارگران منطقه ۴ شهرداری اهواز!
- / مرگ دردناک یک کارگر جوان در حادثه آتش سوزی مرکز توزیع کپسول گاز ورامین
- / کشته شدن دو کارگر نیشکر هفت تپه بر اثر شلیک افراد ناشناس
- / تجمع اعتراضی ۱۰۰ نفر از سپرده گذاران موسسه مالی کاسپین در رشت
- / به آتش کشیدن اموال شعبه توسط مالباختگان موسسه "کاسپین" در زاهدان
- / ادامه سرگردانی کارگران شهرداری اهواز برای دریافت معوقات مزدی/تبدیل شدن بی‌اعتنایی مدیران شهری به امری عادی
- / اسامی کشته شدگان حادثه آتش سوزی سرویس ایران ایر/ علت حادثه در دست بررسی است
- / فعالان صنفی تشکیل دادند؛
- کمپین مجازی برای آزادی اسماعیل عبدی
- / مستمری و مقرری بازنشستگان صنعت نفت از یفروردین امسال ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت
- / سقوط از ساختمان جان یک کارگر اراکی را گرفت
- / تعداد قربانیان تبلیغات انتخابات به ۴ نفر رسید
- / مرگ دلخراش کارگر جوان در مشهد حین کار با دستگاه فرز
- / عدم پرداخت ۵ ماه حقوق وحق بیمه کارگران گشت و بازرسی چاه‌های آب!
- / مرگ یک کارگر جوان در اسدآباد همدان بر اثر ریزش چاه
- امروز اتفاق افتاد؛
- تجمع کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه برای معوقات مزدی
- / سخنگوی سازمان آتش نشانی اعلام کرد:
- / علت احتمالی آتش سوزی مینی بوس کارکنان فرودگاهی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۲ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۶

/ مرگ ۴ نفر از کارکنان فرودگاهی بر اثر آتش سوزی خودرو

/ اوایل هفته جاری رخ داد؛

/ مرگ دو کولبر دیگر در محدوده مریوان

شب گذشته رخ داد؛

/ مرگ نصاب بنر تبلیغاتی انتخابات بر اثر برق گرفتگی در فردیس

/ پلی‌اکریلی‌ها از بیمه بیکاری دو ماه حقوق گرفتند / امیدواری برای بازگشایی کارخانه تا مردادماه

/ پنج ماه از مطالبات مزدی کارگران گشت و بازرسی چاه‌های آب باقیمانده است

/ معوقات کارگران شهرداری بروجرد پرداخت نشد

/ بیکاری ۳۰۰ کارگر معدن زمستان یورت آزادشهر!

/ عدم پرداخت دیه جان باختگان حادثه این معدن!

/ آموزشی به کارگران معدن درباره ایمنی و بهداشت کار داده نمی شود!

/ معادن ایران؛ استانداردهای غیراجباری، نظارت های تشریفاتی

/ تجمع اعتراضی کارگران سها سرام نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل فرمانداری اردکان
برای چندمین بار!

/ تجمعات اعتراضی کارگران پیمانکاری راه آهن جمهوری اسلامی نسبت به عدم پرداخت حقوق فروردین
ماه مقابل شرکت حمل و نقل ریلی رجاء!

/ بلاتکلیفی ۱۰ ماهه ۲۱۰ کارگر کارخانه آب معدنی شلمزار برای بازگشت بکار!

/ عدم پرداخت ۶ ماه حقوق کارگران شهرداری بروجرد!

/ حقوق کارگران شهرداری بروجرد ۶ ماه است که پرداخت نشده است.

/ فوت هزار و ۶۴۵ نفر در حوادث حین کار سال گذشته: افزایش ۱۰ درصدی